

خود تقدیری!

خودتقدیری، آن طورها هم که می گویند بد و ناپسند و نشانه خودبینی و خودخواهی نیست؛ بلکه گاهی وقتها لازم و حتی واجب هم هست. مثلاً وقتی که همه می گویند این کار که می کنی اشتباه است؛ ولی چون برای تو افت دارد، نمی خواهی حرف آن ها را گوش کنی؛ از طرفی هم می ترسی اگر بحث کنی، دلایل آن ها قوی تر باشد. و محکوم شوی و باز کلی افت دارد و از طرف سوم! هرچه فکرش را می کنی، می بینی خیلی بی نزاکتی است که به همه این آدم ها بگویی: «به شما چه؟» پس می اندیشی و به این نتیجه می رسی که به روش علمی هنری خودتقدیری، به منتقدان پاسخ دهی تا با دوری از عوارض منفی آن، دلت هم خنک شود!

گاهی وقتها هم حس می کنی دیگران می خواهند از شما تقدیر کنند؛ ولی به دلیل تنگناهایی، قادر نیستند آن طور باید و شاید، آن چنان که در شأن شما باشد، از شما تقدیر کنند؛ لذا شما با این کار (یعنی خودتقدیری) در واقع زبان حال آن ها می شوی.

یا مثلاً وقتی کاری می کنی و انتظار داری همه به به و چه چه کنند ولی هیچ کس هیچ چیز نمی گوید و تو یک جور احساس بهت دست می دهد که حس می کنی اگر از خودت تقدیر نکنی و به دیگران گوشزد نکنی که قدر چه گوهر نابی را نمی دانند، آن احساس، کار دست می دهد و شاید در شاهکارهای بعدی تأثیر بد بگذارد. یا مثلاً... بله؟ همه می دانند منظور من صدا و سیما است؟ نه، باور کن توی جاهای دیگر هم پیدا می شود؛ اگر کمی بگردی، اگر فقط کمی دقت کنی، از این چیزها زیاد پیدا می شود. باور کن!

سردبیر اضافی

ما هم هدفی داریم دیگر

همه ما جوان هستیم و جوان باید شاد باشد. ای بابا! بر منکرش لعنت! صبر کنید پیاده شویم باهم برویم. بله! این دو جمله تکراری است. اتفاقاً گفتم به تکرار ارجاعتان بدهم. تیپ و قیافه ام را یادتان می آید؟ بگذریم! از آن جایی که بنده جنگ اول را بر صلح آخر ترجیح می دهم، همین جا صادقانه و عارفانه به عرضتان می رسانم که حرف حسابم برای این وری های اینترنتی نیست؛ ما با اون وری ها کار داریم.

بازهم مثل دفعه پیش، سراغ بقال محله رفتیم که هر نوع تکنولوژی و صنعتی در کلیه درویشی اش پیدا می شود. او دلایل خودش را به طور واضح و با هدف های متعالی اش برای ما بیان کرد که مشروح آن ها را در زیر آورده ایم. (اگر دلتان خواست، توصیه های ایمنی زیر را جدی بگیرید):

۱ زندگی ما با چت اخت شده است و ما حتی در خواب با خودمان چت می کنیم؛ چه برسد به دیگران!

همان طور که می دانید، حیاتی ترین کار در زندگی هر آدم با کلاس و با فهم و درک کامل و دک و پزداری، شنیدن جدیدترین ترانه های آن ور آبی و دیدن جدیدترین عکس های بازیگران و خواننده های معروف آن ور آبی است.

... می بینید که همه بحث بر سر آب است، اصلاً اگر آبی نبوده، این ور و آن ور معنایی نداشت.

۲ انصاف بدهید ما که مثل بعضی ها به دنبال گناه و نگاه به نامحرم و این جور چیزها (استغفرالله) نیستیم و سر به زیر، داریم کار خودمان را می کنیم. آخر کار ما از مصرف به تولید است و همان طور که استفاده می کنیم، در ذهنمان در حال تولید و شبیه سازی آن چه دیده یا شنیده ایم هستیم و این خود، کاری است دیگر!

۳ ما باید با ممنوعه ها آشنا شویم و بهره گیری از آن ها را رایج کنیم. اصلاً از کجا معلوم؟ شاید بعضی چیزها بی خودی ممنوع شده باشد! آخر می دانید که برای ما، فهمیدن، یک اصل حیاتی است.

۴ بهره گیری خیلی مهم است و مهم تر آن که ما از هر چیزی که در اطرافمان است، نهایت بهره مندی را داشته باشیم؛ آن هم به نحو احسن. دیگر مسئول درست یا غلط بودنش که ما

نیستیم!

۵ مهم این است که به راهی در زندگی بروید؛ دیگر رسیدن مهم نیست. آقا جان! ما وقت زیادی نداریم صرف این جور فکرها کنیم. در ضمن، ما افراد را از روی نوشته هایشان می شناسیم و شخصیت ها را حسابی و عمیق تجزیه و تحلیل می کنیم و چه راهی برای به کمال رسیدن بهتر از این!

۶

از آن جایی که علم، زیادی پیشرفت کرده، عشق و این جور مسایل را باید در اینترنت دنبال کرد؛ که زندگی بی عشق، هیچ است! آقا جان! گذشت آن زمانی که باید در به در، دنبال دوست خوب می گشتیم و سر از ناکجا آباد در می آوردیم! ما همیشه از دوست های اینترنتی مان جواب می گیریم و آن ها هیچ وقت روی ما را زمین نمی اندازند؛ حتی در مواردی که نمی شود گفت!

۷

دیگر احتیاجی به خریدن اسباب بازی های گوناگون برای بچه های قد و نیم قد بهانه گیر نداریم. اینترنت همه چیز را به خوبی حل می کند؛ حتی آدم ها را.

۸

ما در زندگی، پای بند به عناصر چهارگانه ارتباط هستیم: منبع و فرستنده ما که موردی ندارد؛ تا دلتان بخواهد، پیام به دست ما می رسد، کانال ارتباطی ما هم که حرفی ندارد، مخاطب و گیرنده هم که end end است. می ماند اثر پیام که دیگر مو لای درزش نمی رود.

۹

اصلاً مگر من به اعتیاد شما و نوع آن اعتراض می کنم که شما به اعتیاد من گیر سه پیچ داده اید و ول کن قضیه نیستید؟

۱۰

ما به ریزترین و جزئی ترین افراد و هر چه که می خواهیم دسترسی پیدا می کنیم و زود زود برای ما عکس و ایمیل و این جور چیزها فرستاده می شود.

۱۱

آخر ما سعی داریم روحیه خودمان را تقویت کنیم و از افسردگی، پرخاش گری و ناکامی که بیماری های عصر جدید است، دور شویم. در ضمن، این کار نوعی انتقال تجربه است و مگر بهتر از آن در جهان سراغ دارید؟ ...

... پس است دیگر! هیچی نمی گویم پررو شده اید. اصلاً حالا که این طور است، عکستان را بدهید تا برای فامیل هایم بفرستم و حسابی حال کنیم.

شکر خند

